

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

بحث در کلام مرحوم شیخ انصاری بود؛ اگر در بحث اجماع، حساب احتمالات را لحاظ می کردند اینقدر بر سر اجماع نمی زدند اگر بحث اقناع پیش کشیده شود اجماع تقویت می شود.

اگر چندین نفر یک مطلبی را نقل کنند احتمال خلاف یا از بین می رود و یا تضعیف می شود، به گونه ای که عقلاً دیگر اعتنا نمی کنند؛ مثلاً در شبهه غیر محصوره که 1000 تا ظرف است و یکی نجس شده است عقلاً اعتنا نمی کنند.

نکته اول: بحثی نیست که استوانه های فقه کسانی نبوده اند که از روی شک حرف بزنند و لذا علما با آن همه احتیاطات و... که داشته اند با دقت تمام فتوا می دادند و... و لذا وقتی در یک مساله روایتی نیست و علما ادعای اجماع می کنند حتماً چیزی بوده که فرموده اند و الا نمی گفتند.

نکته دوم: جناب شیخ انصاری در قضیه قاعده لطف و حکمت از شیخ طوسی مطلبی نقل کرد و بعد، از سید مرتضی مطلبی نقل کرد و خودش هم موضع صریحی نگرفت اما فرمود: اجماع منقول مبنای روشنی ندارد و لذا به نظر می رسد قاعده لطف را هم قبول ندارد.

استاد علیدوست: معتقدیم اصول فقه دفتر دوم آن نوشته نشده است؛ اصول فقه معمولاً برمی گردد به بیان وظیفه فهمنده نص اما اینکه شارع و مبینان شریعت چه وظیفه ای دارند بحث نشده است و لذا مثل قانون لطف باید در حیطه وظیفه مبینان شریعت بحث شود؛ اینکه حضرت فرمودند: علینا القاء الاصول و علیکم بالتفریع آیا ائمه به این وعده وفا کردند یا نه؟ این ها باید بحث شود.

من تعجب از کلام سید مرتضی می کنم؛ اینکه عده ای سنی از بنی عباس، بنی مروان و... سبب شدند که تولد امام مخفی بماند و امام غایب شود چه ربطی به ما دارد؛ چه کسی گفته است که علت تامه غیبت امام عملکرد بد ماست؛ بلکه یکی از اسباب ظهور، اصلاح انسانهاست؛ ولی چه کسی گفته آقا امام زمان 313 یار فقط می خواهد آقا 313 فرمانده دارند (ضمناً معلوم نیست 313 عدد تکثیر است یا نه) شاید این 313 نفر نیازمند 80 هزار نفر زیر دست داشته باشند؛ در کدام روایت آمده است که فقط 313 نفر بیابند حضرت حتماً می آید؟

استاد محترم: من هم وعده نمی دهم که قاعده لطف را کامل بیان کنیم اما ان شاء الله در مرحله تحقیق بنیان های بحث را عرض می کنیم.

مرحوم نائینی: ایشان شروع بحث را اینگونه مطرح می کند؛ سزاوار بود بحث اجماع منقول از بحث خبر واحد متاخر بیان می شد، زیرا آنهایی که اجماع منقول را می پذیرند اجماع منقول را از مصادیق خبر واحد می دانند و لذا اگر بعداً به این نتیجه برسند که خبر واحد حجت نیست، بحث های اجماع منقول لغو تلقی می شود.

استاد محترم: البته جای نگرانی نیست زیرا بعداً معتقد می شویم که خبر واحد حجت است؛ اما مرحوم نائینی چون مدرسه ای بحث می کند این اشکال را مطرح می نماید. اما اگر ما بحث را مدرسه ای مطرح نکنیم بلکه طبق اقناع و حساب احتمالات مطرح کنیم، می گوییم ممکن است خبر واحد حجت نباشد اما اجماع منقول حجت باشد.

مرحوم نائینی مثل استادشان مرحوم آخوند، قاعده لطف را قبول ندارد؛ ایشان می فرماید امام وظیفه دارد احکام را مطرح کند اما از طریق متعارف مثل جواب دادن به پرسش ها و... اما اینکه سه شب به خواب یک شخص بیابند یا یک نفر را برای القاء خلاف بفرستند و... اینها وظیفه امام نیست.

استاد: ممکن است بگوییم اینکه شیخ طوسی می گوید امام باید حتما القاء خلاف کند این درست نیست؛ اما کلام نائینی هم شاید به طور مطلق درست نباشد چرا که ما باید شدت ابتلاء، مهم بودن حکم و... را لحاظ کنیم.

الحمد لله رب العالمین